



۲۰۱۷/۰۱/۰۲

قیس کبیر

قابل توجه بناغلی هاشم سدید

قبل از همه باید بگویم که بنده ادعای نویسندگی ندارم، ولی میدانم که شغل نویسندگی نه تنها به توانایی قلم وابستگی دارد بلکه اساس آن بر وجدان نویسنده و طرح مسائل ارتباط می گیرد، چرا که اگر نکته ای را نویسنده به آن مقابل شود که برضد خواست او باشد، نویسنده خوب و جامعه ساز، کسی است که با وجدان بیدار از آن مسئله نگذرد برخلاف، از نهایت بزرگی برآن حقیقت صحنه نیز بگذارد. اینجاست که معیار نویسندگی خوب و خراب مشخص میشود، زیرا به قول دوستم "انسان های قلمدار" بسیار اند و بسیار هم بوده اند، مگر اینکه چرا از هزاران نویسنده فقط چند نفر جاودانه میشوند، دلیل این کار صداقت نویسندگیست نه توانایی خاص قلم او.

من استاد آلمانی داشتم، با آنکه وی آدم کم ادعای بود ولی برای من سرمشق بسیار خوبی شد، زیرا من از او توانستم خیلی چیز های خوب را بیاموزم. به طور مثال اگر انتقادی بر او میداشتیم، او با پیشانی باز همه را با حوصله مندی و بردباری می شنید و اگر لازم میبود، تأیید میکرد. اما؛ به نکات که ما از روی غفلت متوجه آن نه شده بودیم، آنها را برای ما طوری یادآوری می کرد که بر اساس منطق عالی تکیه بر حقایق میداشت. راهنمایی ها و آموزش وی مملو از خودداری و حق بینی آنقدر مؤثر بود، که آن آموزه ها در ذهن من ته نشین شده اند و اینک امروز همه بدردم می خورد و مرا براه راست میبرد.

جناب سدید صاحب، بعضاً توانایی قلمی اشخاص مرا وادار می کند تا با وجود داشتن مایوسی از آنها باز هم دنبال شان بروم و رشته ارتباط شانرا نگسلم. اینرا هم میدانم که قلم بعضی آنها علاج درد های جامعه زخمی ما شده میتواند. درین ارتباط گفته میتوانم که نه شما گلی برسر من زده اید و نه من برسر شما. نه شما مدیون منید و نه من از شما، آنچه که من حیث پیوند بین من و شما قرار دارد بعضی از نوشته های شما و علاقه من به آنهاست. پس هر دو میدانیم که کدام خصومت شخصی در بین نبوده و هرگز هم نخواهد بود، زیرا اینطرف (قیس کبیر) را من گرانتی میکنم که نه تنها با شما بلکه با هیچ کس خصومت ندارد و نخواهد داشت. آئی که در راه وطن زخمی من کار با ثمر و سودمند میکند، احترام می کنم و آئی که نمی کند خداوند او را هدایت نیکی بدهد.

جناب سدید صاحب، نوشته سه قسمتی شما را راجع به خود خواندم که برای من حیثیت یک آئینه قد نما را داشت که من خودم را "ظاهرأ" تمام در آن مشاهده کردم که نشاندهنده دید شما از ظاهر من بوده، اما لازم میدانم تذکر دهم که آئینه ها بدبختانه ظواهر را نشان میدهند مگر هیچ آئینه ای تا حال نتوانسته باطن اشخاص را چه بد باشد و چه نیک، نشان دهد. ان شاء الله در مقالات جداگانه برایتان نواقص آئینه قد نمای تانرا تشریح خواهم کرد.

به گفته آلمانی ها من بسیار کوشش میکنم تا کسی از جانب من زخمی نشود و اینکه دنباله بسیاری را رها نمی کنم این خود سند است که در آن شخص ارزش های را دیده ام که او را گام به گام صمیمانه دنبال میکنم و با گله (گلایه) ها او را میخواهم پیوسته با خود داشته باشم.

به شما بهتر معلوم است که ما در جریان تدوین کردن "قاموس کبیر افغانستان" هستیم. ادعاهای زیاد بود که فلان بزرگوار اول این پیشنهاد را کرد و یا فلان بزرگوار نیز میتوانست قاموسی را تدوین کند و...و... اما چون ادعاهای در عمل پیاده نشده و فقط ادعاهای باقی ماندند، و آن بزرگواران مدعی چون از جزئیات تخنیکی و موضوع کار قاموس در عمل بیخبر بودند به اهمیت آن نیز متوجه نشده بودند. برای وضاحت گفته هایم این جا میخواهم مثالی را خدمت شما ارائه کنم تا به اهمیت موضوع بیشتر پی ببرید. به نظر من؛ اگر لغات را مانند موتر ها فکر کنیم، برای راندن موتر علاوه بر ماشین موتر، موتور، بادی آن و بنزین، نیاز به سرک و شاهراه یا اوتوبان Freeways هم است تا بتوانیم موتر را رانیم. اگر سرک و شاهراه نمی بود بدون شک موتر ها هر آن جای که بودند متوقف می ماندند و حرکت نمی توانستند. همچنان برای یکجا نمودن پرزه جات موتر هم ما به تخنیکرها و متخصصین و

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

راهنمای لایسنس ضرورت داریم برای مثلاً پالش کاری موتر ها، سالم بودن انجن موترها، تایرو تیوپ موتر، اکسل های موتر، داشتن جواز سیر و غیره. همچنان برای شاهراه یا اوتوبان سازی اشخاصی ضرورت است که مشکلاتی را از قبیل پیش آمدن یک جنگل و یا خاره زار و یا زمین های خشک و سنگلاخان و غیره فهم و درک و تجربه کافی داشته و یا علم تخنیک راه گشائی آنرا بدانند. ما برای تنظیم «قاموس کبیر افغانستان» هم به متخصصین فراخ نظر و کارآگاهان آزموده ضرورت میرم داشتیم که خوشبختانه این بزرگواران بعضی در اثر خواهش و تقاضای ما و بعضی هم به خواست و خواهش خود با ما پیوستند و ما را درین راه یاری و مدد رساندند و ما از حضور فعالانه و سودمندانه شان تقدیر نموده به ایشان و عزم راسخ و وطندوستانه شان افتخار می کنیم.

اکنون هم کسی مانع کسی نشده که قاموس بسازند و هرگز هم نخواهد شد. جای بسی افتخار ما خواهد بود اگر ولو به حساب رقابت سالم هم که شده دو سه قاموسی تدوین گردد تا به جای یکی ده ها قاموس بتوانیم داشته باشیم. بزرگان ما گفته اند از یک کرده دو و از دو کرده سه بهتر است.

ما شب روز در تلاش بودیم و هستیم تا قاموس کبیر افغانستان به اقتضاء کنندگان لغات، تا حد امکان سهولت پیش کند و در یک چشم بهم زدن لغت جستجو شونده را پیدا نموده به صورت فوری به دست رس جستجو کننده قرار دهد.

معنی قاموس سازی فقط جمع کردن چند هزار لغت نیست، امروز یک شخص بسیار کم سواد را هم که توظیف کنیم در یک روز برای ما هزاران لغت را میتواند جمع آوری کند. اما این لغات جمع آوری شده به مراحل مختلف تنظیمی ضرورت دارند مثلاً

1 جمع آوری. 2- تنظیم آن به اساس الفباء. 3 معنی آنها. 4 - نوعیت لغات. 5- تقسیم بندی آنها به کتگوری های مختلف آن در دیتابیس ها. 6- شرح لغات. 7- ترجمه پشتوی آنها. ترجمه انگلیسی آنها و...و... که این همه نه مربوط به یک فرد و یا شخص می شود و نه آن یک شخص این همه را به تنهایی انجام داده میتواند. زیرا این کار در اصل طوری که قبلاً هم چند بار یاد آور شده ایم، کار دولت و یک ارگان حکومتی است نه کار اشخاص در جهان مجازی انترنت.

در اخیر میخواهم فقط به یک نکته اشاره کنم و آن اینکه کوبیدن اشخاصی که به یک کار ملی و مردمی دست می زنند کار دانشمندان و روشنفکران ملیگرا نیست. با تأسف ما در اوایل کار خویش با این نوع کوبیدن ها از جانب شما و بعضی از بزرگواران دیگر سخت مواجه شدیم. ما که ازین مشکلات و دشواری ها بدر آمدیم اما خاطر ما از آن ضربه دید و گله مند شدیم که این توقع از اشخاصی مثل شما نمی رفت. به هر حال قسمی که شما میدانید و از آغاز تا الحال ما در هر نوشته خود ذکر نموده ایم، که ما تکمیل نیستیم و هیچ انسان نمی تواند تکمیل باشد و هر انسان و کار های وی قابل نقد است. در قلب های ما همیشه برای انتقادات و پیشنهادات سازنده و آباد کننده باز و گشاده است و خواهد بود. تیم کاری ما آماده مطلق برای گرفتن نقد های هستند که از طرف کارشناسان و کارآگاهان به آنها برسد. اینکه شما یا از روی بزرگی و یا از روی ... که خود تان میدانید یاد آور شده بودید که نقد نمی کنید اختیار به خود شماست. اما اگر نقد هم کنید ما ممانعتی درین قسمت نداریم زیرا هر نقد یک آموزش است برای ما و یک اصلاح برای بهبود کار های ما.

لازم میدانم پیامی را که از دوستم گرفته ام در همین مقطع مقاله خدمت شما برسانم ایشان مقاله اخیر تان را مرور کرده چنین گفتند: اگر با جناب سدید ارتباط میداشتم برایشان تیلیفون کرده می گفتم که این مقاله شما که هنوز ادامه دارد تا این جا، در مطبوعات کشور یکی از مقالات سره به شمار می رود. وی اضافه کرد: ما همه تحت تأثیر بیگانگان از خود بیگانه شده بودیم و تعدادی زیادی تا هنوز هم با خود بیگانه مانده اند اما سدید بزرگوار از روی خرد، مطالعات وسیع تکاملی نموده است که جای بسیار افتخار است. سدید صاحب از مرحله به اصطلاح روشنفکری خام گذشته است و به مرحله فلسفه و جامعه شناسی در آمده است. خلاصه حرفهای بسیار زد که حوصله این مقاله برای درج همه آنها کافی نیست. در مجموع مقاله شما را مقاله خردمندانه و روشنگرانه شناخت و تحسین نمود.

د پاپو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي